

برنامه گسترده برای خصوصی سازی

شده است. در این لایحه مواردی نظیر بازارها، رقابت، انحصار و ضد انحصار به صورت شفاف تعریف شده است، در صورت تصویب نهایی این لایحه وزارت امور اقتصادی و دارایی به جایگاه واقعی خود در

ادامه در صفحه ۳

در این شماره

دانشگاه زنده است ص ۴
معضل مواد مخدر در ایران ص ۵
هوکو چاوز آینده تحولات ونزوئلا
"سوسیالیسم قرن ۲۱" است ص ۸

نان آوران فراموش شده

در میان معضلات بی شمار اجتماعی که اینک میهن ما با آن روبروست، پدیده فقر و گسترش آن در ابعاد بسیار نگران کننده، بیش از سایر مسایل خودنمایی می کند. در ارتباط با پدیده فقر آنچه که آمار رسمی رژیم ولایت فقیه نشان می دهد، حاکی از این واقعیت است که زنان طبقات محروم و زحمتکش جامعه بیشتر از سایر گروه های اجتماعی با فقر دست به گریبان هستند.

چندی پیش، در جریان مراسمی تحت عنوان دومین کارگاه آموزشی دو روزه بهینه سازی راهبردهای تشکل های کارگری در مواجهه با جهانی سازی و خصوصی سازی، که در شهر تبریز برگزار شد، سهیلا جلودار زاده، از وابستگان حزب اسلامی کار، طی سخنانی با صراحت اعتراف کرد که، مطابق برنامه خصوصی سازی جمهوری اسلامی، کارگران ایران امنیت شغلی نداشته و به ویژه زنان کارگر در معرض اخراج قرار دارند. جلودارزاده در این زمینه گفت: "زنان در اولین خط پروسه اخراج از محیط های کارگری قرار دارند."

بخش قابل توجهی از این زنان زحمتکش، نان آوران خانواده های خود و در واقع سرپرست خانواده اند و بار سنگین مضاعفی بر

ادامه در صفحه ۲

در میان مجموعه رخ دادهای پر شتاب و با اهمیت میهن ما، موضوع برنامه های اقتصادی و به ویژه سیاست خصوصی سازی، که دولت احمدی نژاد بر خلاف شعارهای عوام فریبانه با پیگیری در حال تهیه و تدوین و اجرای آن است، یک امر کلیدی و فوق العاده مهم تلقی می گردد. اکنون اختلاف در درون و پیرامون حاکمیت بر سر چگونگی و سمت و سوی اجرای برنامه های اقتصادی تشدید شده و شاهد رویارویی و درگیری حاد کم سابقه ای در این زمینه هستیم.

در اواخر آبان ماه سال جاری، رییس سازمان خصوصی سازی و سخنگوی ستاد واگذاری سهام عدالت، از تکمیل لایحه اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی خبر داد. خبرگزاری ایسنا، ۳۰ آبان ماه، در این باره گزارش داد: "لایحه مربوط به سیاست های اصل ۴۴ به صورت یک لایحه جامع و کامل جهت بررسی و یا تصویب به دولت ارایه



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۵۶، دوره هشتم
سال بیستم، ۳۰ دی ماه ۱۳۸۵

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اوج گیری تحولات خطرناک و ضرورت تاخیر ناپذیر
اتخاذ سیاستی فعال، پیکیر و منطقی برای تشنج زدائی!



نخواهد نشست، را می باید در راستای تلاش های هدفمند ایالات متحده برای انزوای بین المللی ایران و طرح های خطرناک پشت پرده در رابطه با مسیر آینده تحولات میهن مان ارزیابی کرد. حزب توده ایران، همان طور که بارها در ماه های اخیر اعلام کرده است، عمیقاً نگران ادامه گسترش بحرانی است که به خاطر سیاست خارجی رژیم و عملکرد تنش زا و ستوال برانگیز سران آن، در طرح خواست برحق و طبیعی کشورمان برای دستیابی به فن آوری هسته ای، رو به اوج گیری است. تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت در مورد تحریم ایران، در زمینه فن آوری، و در پی آن اقدام تعدادی از بانک های بزرگ و مهم جهان در قطع رابطه با نهادهای مالی ایران، انتشار خبر تحریک آمیز برخی طرح های اسرائیل برای حمله هوایی به تاسیسات هسته ای ایران، و اتخاذ سیاست های خصمانه نسبت به ایران از سوی برخی از کشورهای عربی منطقه، در هماهنگی با آمریکا، مسایلی نیستند که بتوان از کنار آن ها بی تفاوت گذشت. در

اظهارات تهدید آمیز رئیس جمهوری آمریکا درباره ایران و حمله تحریک آمیز واحد های نظامی آمریکائی به ساختمان محل فعالیت پرسنل وابسته به دولت جمهوری اسلامی در اربیل، کردستان عراق، و بازداشت پنج تن از کارمندان این مرکز، در روزهای اخیر، نمی تواند نگرانی نیروهای ملی و ترقی خواه کشورمان را بر نینگیزد. جورج بوش، در سخنرانی اخیر خود، که به منظور طرح سیاست جدید آمریکا در عراق ایراد شد، در پاسخ به انتقادات وسیع داخلی و بین المللی در رابطه با اوضاع وخیم عراق، انگشت اتهام را متوجه جمهوری اسلامی ایران و سوریه کرد و راه برون رفت از بحران موجود را مهار و منزوی کردن بیشتر این دو کشور اعلام کرد. در کنار این موضع گیری، سفر روزهای اخیر کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا، به خاورمیانه و مشورت هایی که او قرار است با سران هشت کشور منطقه و از جمله "شورای همکاری خلیج [فارس]"، انجام دهد و همچنین سخنان تهدید آمیز وی مبنی بر اینکه ایالات متحده نسبت به عملکرد ایران در اوضاع عراق بیکار

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

ادامه نان آور فراموش ...

اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی در زندگی زنان سرپرست خانوار در حد بسیار نازلی بوده بنابر این شیوع بیماری های مختلف در این افراد بالا است.

پر واضح است این پیشنهادات در رژیم ولایت فقیه هرگز جامه عمل نخواهد پوشید. فراموش نباید کرد که رییس دولت ارتجاع، احمدی نژاد، چندی پیش محتوی و ماهیت برنامه جمهوری اسلامی در خصوص زنان را با کمال صراحت اعلام داشت و مسئله نیمه وقت کردن زنان شاغل و افزایش تعداد فرزندان خانواده ها را عنوان کرد. پیشنهادهای و برنامه هایی که احمدی نژاد از آن سخن گفت در واقع آغازی برای خانه نشین کردن و به انزوا کشیدن زنان است بر پایه تفکری سیاه و پوسیده! و به این ترتیب روشن است که ایجاد اشتغال برای زنان سرپرست خانوار و اصولاً پیشنهادهایی از این دست در رژیم ولایت فقیه فقط بر صفحه کاغذ باقی خواهند ماند!

همزمان با گزارش پژوهشی ای که بدان اشاره و استناد کردیم، دو گزارش، اولی بررسی تحقیقی توسط انجمن جمعیت شناسی ایران و کارشناسان آن که در مطبوعات با عنوان "نتایج یک پژوهش در باره افسردگی زنان ایران، فشار این بیماری برای زنان از فاجعه بم بیشتر است" و دومی گزارشی مطبوعاتی با نام "آنها همه جا هستند، این زنان دستفروش" انتشار پیدا کرد. در بررسی تحقیقی کارشناسان انجمن جمعیت شناسی ایران از جمله آمده است: "حوادث ترافیکی، اعتیاد، بیماری های قلبی و عروقی بیشترین عوامل مرگ و میر مردان هستند، در زنان ایست قلبی عامل اصلی مرگ و میر و بعد از آن افسردگی مهم ترین عامل است. باری که بیماری افسردگی به زنان جامعه وارد می کند بسیار سنگین تر از فاجعه بم است. در سنین ۳۰ تا ۴۴ سالگی حادثه ترافیکی عامل از دست رفتن عمر مردان است در حالی که در همین سن افسردگی برای زنان در درجه نخست قرار دارد...."

ناگفته پیدا است که، زنان سرپرست خانوار بیشترین درصد افسردگی را مطابق با پژوهش های رسمی به خود اختصاص می دهند. در مورد وضعیت زنان فقیر و محروم که سرپرست و نان آور خانواده خود هستند، گزارش مطبوعاتی از زنان دستفروش گویای بسیاری از واقعیت ها است. در گزارش تاکید می گردد: "هم دختران جوان با ماتو و روسری و هم پیرزن چادر مشکی به سر را می توان در جای جای این شهر بزرگ دید که بساط پهن کرده اند و به هوای لقمه ای نان، فروشنده می کنند، اجناس شان متنوع است. از مواد خوراکی و خشکبار تا جوراب و لباس، بیشتر شان از حومه یا جنوب تهران می آیند. مسئولیت خانواده را به عهده دارند، سرمایه ای برای اجاره مغازه ندارند، بعضی از آن ها خرج چندین نفر را می دهند."

زنان دستفروش به طور عمده و اغلب سرپرست خانوار هستند و به دلیل سیاست های ضد مردمی رژیم در مشاغل کاذب قرار دارند. و تازه اغلب این زنان زحمتکش در همین مشاغل کاذب نیز به سبب مقررات شهرداری ها قادر به تامین معاش نیستند.

مطابق آمار رسمی، ۳۳ درصد دستفروشان شهر مشهد، ۳۷ درصد دستفروشان شهر تهران و ۱۹ درصد آنها در شهر اهواز زن هستند و سرپرست خانواده های خود! به علاوه، بسیاری از زنان کارگر در کنار مشاغل خود و از آنجا که در آمد کافی ندارند، ساعاتی پس از تعطیلی را به دستفروشی می گذرانند تا مایحتاج فرزندان خود را تامین کنند. در گزارش از زنان دستفروش تصویر زندگی روزانه آنها چنین ترسیم شده

دوش آنان قرار دارد. وضعیت این زنان محروم و خانواده هایشان بر اثر سیاست های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه بسیار وخیم و ناگوار است. در اواسط آبان ماه سال جاری، گزارشی خواندنی و توجه بر انگیز تحت عنوان "مطالعه وضعیت زنان سرپرست خانوار شهر تهران" در برخی رسانه های همگانی انتشار یافت. این گزارش پژوهشی، زوایای مختلف زندگی و رنج هزاران زن محروم و زحمتکش را آشکار می سازد و پرده از سیمای تزویر و ریای مسئولان و سیاستگذاران رژیم، به ویژه دولت ضد مردمی احمدی نژاد، بر می دارد! در این پژوهش با صراحت عنوان گردیده که، مسکن، پرداخت مستمری و حقوق عادلانه و شغل مهم ترین و اصلی ترین دغدغه و درخواست زنان سرپرست خانوار است. در عین حال تاکید می گردد که، زنان سرپرست خانوار به لحاظ رفاهی در وضعیت نامناسب و دشوار قرار داشته و فرزندان آنها در معرض آسیب های اجتماعی هستند. بخش هایی از این گزارش پژوهشی را روزنامه "سرمایه"، ۱۸ آبان، امسال منتشر ساخت.

به طور نمونه در قسمتی از آن چنین آمده است: "بر اساس پژوهش مطالعه وضعیت رفاهی زنان سرپرست خانوار شهر تهران، رفاه و امنیت زنان قبل و بعد از سرپرستی خانوار در هر سه بعد اقتصادی، فرهنگی و اکولوژیکی، وضعیت زنان بعد از سرپرستی به مراتب وخیم تر از قبل از سرپرستی بوده است. ۷۱/۳ درصد زنان سرپرست خانوار فاقد شغل بوده [در شهر تهران] و بقیه نیز در مشاغل پاره وقت و کم درآمد مشغول به کار هستند. تعداد ونسبت زنان سرپرست خانوار در مجموعه کشور در سه دهه اخیر افزایش یافته است، به طوری که در حال حاضر ۹ درصد سرپرستان خانوار زن هستند و این در حالی است که بررسی فقر بر حسب جنسیت نیز نشان می دهد که در طول دهه گذشته همواره در صد فقر در خانواده های زن سرپرست بیش از خانواده های مرد سرپرست است...."

در ارتباط با مسکن و سر پناه، اوضاع برای زنان سرپرست خانوار فوق العاده نامطلوب است. بر اساس پژوهش مورد استناد، در شهر تهران فقط ۴/۱۳ درصد زنان سرپرست خانوار دارای مسکن ملکی بوده، البته آن هم در مناطق محروم شهر، بقیه یعنی بیش از ۹۵ درصد ایشان به دلیل عدم توانایی مالی مستاجر هستند و در خانه های نامناسب زندگی می کنند، به طوری که وضعیت مسکن از نظر تعداد اتاق ها، نورگیری، وضعیت محیطی، توالت، حمام و جز اینها ناگوار و غیر قابل توصیف است. در پژوهش فوق در این رابطه آمده است: "وضعیت مسکن بیانگر اوضاع نامساعد در دوره پس از سرپرستی است. از نظر سلامت، زنان پس از سرپرستی خانوار به علت بیکاری و نبود امنیت دچار بیماری های متعدد به ویژه افسردگی می شوند." در بخش پایانی پژوهش مورد اشاره پیشنهادهایی با این عبارات قید گردیده: "در برنامه های مربوط به وضعیت رفاهی باید مسکن آنها در الویت قرار گیرد، همچنین به دلیل بیکاری اکثریت زنان سرپرست خانوار، نبود درآمد و در نتیجه نبود تغذیه مناسب و وضعیت بهداشتی نامناسب و بیماری فراوان، پیشنهاد می شود برنامه هایی جهت اشتغال زنان در اولویت قرار بگیرد و از آن جا که شاخص های کیفی رفاه در ابعاد

ادامه برنامه گسترده برای ...

دولت دست خواهد یافت.."

به دنبال این، رییس مرکز تجارت جهانی جمهوری اسلامی، در حاشیه کنفرانس سازمان تجارت جهانی و چالش های جهانی شدن در کشورهای اسلامی، که در تهران برگزار شد، به خبرنگاران خاطر نشان ساخت: "حرکت جدید دولت با واگذاری صنایع دولتی به بخش خصوصی آغاز شد، دولت با واگذاری و فروش صنایع دولتی به سرمایه گذاران خصوصی و مهیا کردن امکانات و زمینه فعالیت آنها، حرکت جدید خود را آغاز کرده است... با توجه به رویکرد مثبت مسئولین ارشد نظام در بها دادن به سرمایه گذاران داخلی و خارجی و صاحبان صنایع، بخشی از مقاومت های گذشته و تفکرات غلط در برابر فعالیت های بخش خصوصی بر طرف خواهد شد..."

یکی از اقدامات مشخص دولت احمدی نژاد که تحت پوشش "سهام عدالت" در ارتباط با خصوصی سازی آهسته اما به شکل دقیق و حساب شده در حال اجراست، به صنعت نفت ایران برمی گردد. روزنامه کیهان، ۱۸ آبان ماه، در گزارشی از قول معاون سازمان خصوصی سازی نوشت که، ۱۰۷ شرکت تابعه وزارت نفت آماده واگذاری است؛ اغلب شرکت های زیر مجموعه وزارت نفت تا یک یا دو ماه دیگر از سه طریق بورس، مزایده و سهام عدالت واگذاری می شوند؛ تمامی شرکت های مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی در بورس و غیر از اصل ۴۴ آن هایی که قابلیت پذیرش در بورس را ندارند از طریق بورس در غیر این صورت از طریق مزایده واگذاری می شوند؛ همچنین این شرکت ها در صورت سود ده و بزرگ بودن از نظر اندازه و مبلغ در قالب سهام عدالت واگذار خواهند شد. خصوصی سازی شرکت های تابعه و وابسته به وزارت نفت توسط دولت احمدی نژاد، و مسئله بسیار مهم تدوین و تصویب اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، موجب درگیری شدید میان جناح ها، به ویژه هواداران دولت و وابستگان هیئت های مولفه، جامعه روحانیت مبارز و نیز رفسنجانی و هواداران او گردیده است. بی دلیل نبود که در مورد اساسنامه شرکت ملی نفت ایران که گفته می شود قید ملی توسط دولت احمدی نژاد از اساسنامه جدید حذف خواهد شد، باهنر، نایب رییس مجلس، به خبرگزاری فارس یادآوری کرد: "دولت اجازه ارسال مستقیم اساسنامه شرکت نفت به شورای نگهبان را ندارد، باید در مجلس اساسنامه را بررسی کنیم، ببینیم مفاد آن چیست، بعد رای موافق یا مخالف می دهیم." برنامه های دولت بر گمارده ارتجاع در زمینه اقتصادی از دید صندوق بین المللی پول و بانک جهانی پوشیده و پنهان نیست.

خبرگزاری فارس، ۱ آذر ماه، با شور و شفع فراوان بخش هایی از مطلب روزنامه "واشنگتن پست" در ارتباط با دیدگاه و برنامه اقتصادی دولت احمدی نژاد را منتشر ساخت و از جمله چنین نوشت: "روزنامه آمریکایی واشنگتن پست با اعلام این که دولت احمدی نژاد شدیداً مشغول تهیه مقررات و راه کارهای مناسب برای اجرای خصوصی سازی و تغییر وضعیت خود از مالک اقتصاد به تنظیم کننده اقتصاد است، افزوده که حرکت بی سابقه اقتصاد ایران به سمت خصوصی سازی آغاز شد." سپس در ادامه تاکید می گردد: "دولت ایران در نظر دارد از ابتدای سال آینده برنامه گسترده ای را برای خصوصی سازی به مرحله اجرا بگذارد. براساس این برنامه همه چیز از دامان دولت جدا می شود. شرکت های ارتباطات ازراه دور، کارخانه های فولاد، بانک ها و هتل ها و شرکت های بیمه همه در سال آینده در معرض واگذاری به بخش خصوصی قرار می گیرند. از هم اکنون حرکت عملی به سمت خصوصی سازی و آزاد سازی اقتصادی آغاز شده است."

چنین سیاست هایی در چارچوب سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه قرار داشته و تنها تفاوت بارز آن با اقدامات دولت های

پیشین در شکل و شیوه و روش های آن است. همین امر سبب تشدید درگیری ها در درون و پیرامون حاکمیت گردیده و در قبل و بعد از انتخابات خبرگان و شوراهای شهر و روستا شاهد اوج گیری کم سابقه آن هستیم.

در این خصوص روزنامه "کارگزاران"، ۱۰ آبان ماه، ضمن انتشار خبر برگزاری جلسه هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، سخنان رییس آن، محمد نهاوندیان را انتشار داد که درباره برنامه دولت احمدی نژاد گفت: "اجرای واقعی سیاست های اصل ۴۴ نیازمند اصلاح ساختار اساسی در ارکان اقتصاد کشور است. توزیع سهام عدالت حرکت مناسبی در جهت خصوصی سازی است ولی نباید اجرای سیاست های اصل ۴۴ تنها به فعالیت بنگاهی و انتقال مالکیت محدود شود."

از دیگر سو، مرکز پژوهش های مجلس به ریاست احمد توکلی، ضمن انتقاد از احمدی نژاد و شیوه های خصوصی سازی دولت او اعلام کرد: "تدوین قوانین جدید در راستای تغییر نقش دولت از امور تصدی گری به سیاست گذاری، هدایت و نظارت برای تسهیل اجرای صحیح سیاست های کلی اصل ۴۴ ضرور است." همچنین مرکز پژوهش های مجلس در گزارشی جداگانه تحت عنوان "الزامات واگذاری، روش های واگذاری و مصارف در آمدی خصوصی سازی" تصریح کرد که، خصوصی سازی به مفهوم واگذاری فعالیت های اقتصادی به مکانیسم بازار است و باید همه جانبه به اجرا در آید. تاکید بر همه جانبه بودن در واقع انتقاد به شیوه هایی است که دولت نهم به اجرا گذاشته و در آن منافع لایه های معینی به زبان دیگر بخش های سرمایه داری تامین می شود.

به عنوان نمونه، دولت احمدی نژاد ضمن اجرای برنامه خصوصی سازی و اجرای اصلاحیه بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی، بسیاری از بنیادهای انگلی را استثنا کرده است. این بنیادها نه تنها دارایی هایشان دست نخورده باقی می ماند، بلکه به عنوان بخش خصوصی بسیاری از صنایع و مراکز پر سود مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی را با حمایت مستقیم دولت تصاحب می کنند. در این باره روزنامه سرمایه، ۲ آذر ماه، گزارش داد که، در میزگرد مدیران صنایع کشور به استثناء شدن برخی نهادها و بنیادها از خصوصی سازی مطابق اصل ۴۴ انعقاد شد. در این گزارش آمده است: "عزم جدی نظام اجرایی (هیئت دولت) برای توسعه بخش خصوصی و واگذاری تصدی های دولت به بخش خصوصی بسیار امیدوار کننده است اما شیوه های اجرایی آن نگران کننده است ... سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ در قالب سه بند الف، ب و ج ارایه شده و دو بند الف و ب اجازه خصوصی سازی در صنایع بزرگ را صادر کرده، استثناء شدن برخی نهادها و بنیادها از شمول واگذاری اصل ۴۴ که حدود دو سوم اقتصاد را در اختیار دارند با اجرای این حکم به طور کامل مغایرت دارد..."

دولت احمدی نژاد با برنامه خصوصی سازی در واقع دست بنیادها و نهادهایی چون سپاه پاسداران، بنیاد زهرا، بنیاد مستضعفان و جز اینها را در غارت منابع و ثروت ملی بازگذاشته و این امکان را فراهم آورده که نهادها و بنیادهای مذکور که نمایندگان لایه های دلال و غیرمولد سرمایه داری هستند به صنایع کلیدی و مادر مانند صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، فولاد و ماشین سازی دستبرد زده و چپاول بزرگ وی سابقه ای انجام دهند! موضع گیری های عوام فریبانه مرتجعان حاکم و سنگ عدالت به سینه زدن احمدی نژاد و اعوان و انصار او همه و همه در خدمت تامین منافع قشر ها و لایه های انگلی سرمایه داری ایران است! آنچه در پس این تبلیغات پر سروصدا قرار دارد حقیقت دردناک نابودی ثروت های ملی، تراج در آمدهای حاصل از نفت و فقر و تیره روزی اکثریت قاطع مردم میهن ماست. دولت احمدی نژاد با پیگیری، برنامه خصوصی سازی را به سود منافع لایه های معینی به اجرا گذاشته است. در مقابل، مقاومت دیگر جناح های رژیم در برابر این سیاست های اجرایی و شیوه های بکار گرفته شده نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده است. کشمکش در این زمینه و رویارویی اوج گیرنده، نزاعی است برای تصاحب قدرت و ثروت و تحکیم موقعیت در حاکمیت کنونی! سرنوشت رژیم ولایت فقیه به میزان قابل توجهی به سرانجام این نزاع قدرت وابسته است!

جمعه و اولین جشنواره است
 با محوریت مسئولین و مدیران
 و هیئت مدیران دانشگاهها



نشریات و سایت‌ها، محدود کردن هر چه بیشتر آزادی‌های نیمه محدود در سطح دانشگاه، ستاره دار کردن دانشجویان تنها به جرم اعتراض به بی‌تدبیری مسئولین: در این مورد تاکنون قریب سی صد حکم مجازاتی صادر شده است. بالا رفتن آمار خودکشی و روی آوردن به اعتیاد از دیگر موارد تاسف‌بار زندگی دانشجویان است، که در این بیانیه با ذکر آمار مورد بررسی قرار گرفته و مسئولیت آن بر عهده مقامات دانشگاهی گذاشته شده است. برای نمونه، در مدت چهار ماه ۲۸ دانشجوی دست به خودکشی زده‌اند که مدیران وزارت علوم نیز منکر آن نیستند. ولی به گفته منتشرکنندگان این بیانیه، هیچ‌گونه اقدام جدی برای پیش‌گیری از این موارد نمی‌شود.

محور مهم دیگری که باید بر آن انگشت گذاشت، ایجاد و

گسترش پدیده "شکاف طبقاتی" در بین دانشجویان است. امری که به گفته دانشجویان از زمان به‌روزی کار آمدن دولت نهم، روبه‌افزایش داشته است. از آنجا که این موضوع یکی از مواردی است که با شعارهای پوچ و وعده‌های دروغین احمدی‌نژاد مبنی بر "فقرزدایی" در سطح جامعه ارتباط دارد، خوب است که نظر دانشجویان عیناً بازتاب داده شود. آنها می‌نویسند: "متأسفانه دولت نهم جهت کنمان بیکاری در کشور در سال گذشته کوشید با افزایش ۴۲ درصدی ورودی دانشگاهها از ورود آنها به بازار کار و افزایش میزان بیکاری جلوگیری نماید. جالب آنکه بیشتر این افزایش ظرفیت در دوره‌هایی به وقوع پیوست که شهریه‌های فراوانی از دانشجویان اخذ می‌شود و در واقع دولت نهم با این کار قدمی دیگر در راه افزایش شکاف طبقاتی برداشت در حالی که شعارهای مدیران این دولت همواره بر دفاع از اقشار کم درآمد استوار است. همچنین این افزایش تعداد پذیرفته شدگان در حالی صورت گرفت که در حال حاضر بیش از ۴۰ درصد جوانان بین سنین ۲۰ الی ۲۵ سال بیکار هستند و در افزایش ظرفیت دانشگاهها هیچ توجهی به نیاز بازار کار نشده است. نتیجه این سیاست افزایش شدید فارغ التحصیلان بیکار در آینده ای نزدیک است. همچنین در حالی ورودیهای دانشگاهها افزایشی ۴۲ درصدی را شاهد بود که بودجه دانشگاههای وزارت علوم با وجود تورم فزاینده کمتر از ۲۰ درصد افزایش یافت که بدهی‌ترین معنای آن کاهش امکانات رفاهی دانشگاه هاست و جالب آنکه عدم تصویب بودجه مورد نیاز دانشگاهها در دولت که دیگر صدای خود مسئولین وزارت علوم را نیز در آورد از بی‌برنامگی جدی وزیر علوم و دولت نهم خبر می‌دهد."

بیانیه سپس با توضیح و تحلیل وضعیت دانشگاهها به گونه‌ای مستند و با تکیه بر آمار واقعی و نه تحریف شده توسط وزارت علوم، نتیجه می‌گیرد که، در سال گذشته، کارنامه این دسته از مدیران هیچ نشان مثبتی را ندارد.

با وجود همه تلاش‌ها و فشارهای مرتجعان حاکم جنبش دانشجویی کشور و دانشجویان مبارز مصمم اند که همچنان به مبارزه و تلاش‌های خود برای تحقق حقوق صنفی-سیاسی جوانان و دانشجویان کشور ادامه دهند. دانشگاه زنده است و همچنان در کنار سایر گردان‌های اجتماعی جنبش مردمی بر ضد استبداد قرون وسطایی و علم ستیز حاکم می‌رزد

افزایش مصرف مواد مخدر در ایران

یکی از عرصه‌های اجتماعی که به وضوح تمام شکست فاحش سیاست‌های ضد مردمی رژیم را در طی سالیان اخیر نشان می‌دهد، موضوع افزایش مصرف مواد مخدر در ایران است. بررغم هیاهوی تبلیغاتی که در مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی مبنی بر موفقیت نیروهای انتظامی در کشف و دستگیری باندهای توزیع‌کننده مواد مخدر در سراسر کشور منتشر می‌شود، اینک سال‌هاست که این امر به یک معضل بزرگ اجتماعی تبدیل شده است. واقعیت این است که، میزان مصرف مواد مخدر در کشور ما، به‌خصوص در میان جوانان، یکی از بالاترین رقم‌ها را در میان کشورهای جهان نشان می‌دهد. البته این امر دلایل و ریشه‌های مختلفی دارد که جای بررسی همه‌جانبه آن‌ها در این یادداشت کوتاه نیست. نگاهی به عملکردهای مقامات و سران رژیم در قبال این معضل و هم‌چنین گسترش روزافزون مواد مخدر در کشور، ماهیت هیاهوهای رژیم را به روشنی نشان می‌دهد. بر اساس اعترافات مقامات مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی، فقط در شش ماهه اول سال جاری میزان کشف مواد مخدر در مقایسه با همین مدت در سال گذشته هفتاد درصد افزایش داشته است. این که چه مقدار مواد مخدر در سطح جامعه پخش شده است، امری است که می‌توان درصد آن را در افزایش تعداد مصرف‌کنندگان و معتادان مشاهده کرد. نکته قابل توجه در این مورد، استفاده گسترده از مواد مخدر جدیدی است

ادامه در صفحه ۵



دانشگاه زنده است

"تاکنون ۵۷ نشریه دانشجویی، ۳۵ نهاد دانشجویی که از میان آنها می‌توان به ۱۲ انجمن اسلامی دانشجویان اشاره کرد که یا منحل شدند یا در فعالیت آنها موانع فراوان ایجاد شد. شوراهای صنفی و کانونهای فرهنگی نیز با شدیدترین فشارها روبرو شده‌اند و بسیاری از برنامه‌های آنها لغو شده‌اند." این بخشی از متن بیانیه شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت درباره وضعیت دانشگاه‌های کشور است که سایت خبری ادواریوز آن را در روز یکشنبه این هفته، انتشار داده است. در این بیانیه که به بررسی عملکرد مقامات و مسئولین وزارت علوم در طی یک سال گذشته اختصاص دارد، با ارایه آمار و ارقام وضعیت حاکم بر دانشگاهها مورد بررسی قرار گرفته است. این بیانیه در واقع پاسخی درخور به مدعیات مسئولین وزارت علوم است که با تبلیغات پرسروصدا اعلام کرده‌اند که شرایط رفاهی و علمی حاکم بر دانشگاه‌های سراسر کشور مناسب بوده است. منتشرکنندگان این بیانیه دانشجویی با برشماری هفت بند به ذکر واقعیت‌های موجود در دانشگاهها پرداخته و خطاب به مسئولین و مقامات که از یک سو با وارد آوردن فشار و برخورد کردن با فعالان دانشجویی و محروم کردن آن‌ها از تحصیل، قصد دارند فریاد آزادی‌خواهی دانشجویان را خاموش کنند و از سوی دیگر با دروغ‌گویی می‌خواهند وضع دانشگاه‌های کشور را رضایت بخش وانمود کنند، هشدار داده است. محورهای عمده این بیانیه را می‌توان چنین خلاصه کرد: وضع اسفناک علمی و جایگاه علوم در دانشگاهها و تاثیر آن بر پدیده "فرار مغزها" از کشور و بی‌توجهی مسئولین به این امر. مشکلات ساختاری مانند بازنشستگی اجباری اساتید دانشگاهها، محروم کردن منتقدان دانشجویی از تحصیل و صادر کردن احکام سنگین از سوی کمیته انضباطی، که در واقع باید از آن به عنوان پاکسازی دانشگاهها نام برد، ایجاد موانع در برابر تشکل‌های دانشجویی، توقیف

ادامه نگاهی به رویدادهای ایران ...

ادامه تجاوز نظامی زیر پوشش ...

برای حضور نیروهای آمریکایی در سومالی گشوده شده است. بهانه های آمریکا تحت نام مبارزه با تروریسم و القاعده، به دلایل مشخصی مطرح می شوند و هیچ ارتباطی با "مبارزه با تروریسم" ندارند بلکه اهداف دیگری را دنبال می کنند.

در حقیقت مسئله اصلی اینست که سومالی از نظر سوق الجیشی دارای اهمیت فراوانی است. سومالی به واسطه ی داشتن سواحل طولانی در کناره اقیانوس هند، قابلیت بازرگانی دریایی وسیعی را داراست و این که ورود و خروج کالاها به کشورهای همجوار سومالی از طریق دریا، باید از این کشور عبور کنند و تسلط بر این کشور، می تواند کنترل بر بازرگانی منطقه را برقرار کند.

از سوی دیگر، منابع نفتی آفریقا دلیل دیگر آمریکا برای علاقه به حضور در سومالی است. ذخایر نفتی این منطقه بالغ بر ۹۵ میلیارد بشکه و برابر با ۸ درصد ذخایر نفتی جهان است. سومالی می تواند پایگاهی جدید برای تثبیت موقعیت برجسته آمریکا در رابطه با این منابع سرشار انرژی در آفریقا باشد.

یک دلیل مهم دیگر آمریکا می تواند مقابله موثرتر با حضور و افزایش نفوذ چین در آفریقا باشد. طی سال گذشته، مبادلات سیاسی و اقتصادی چین با کشورهای آفریقایی، گسترش چشم گیری داشته است. گرچه در سال ۲۰۰۰ مبادلات بازرگانی بین چین و کشورهای آفریقایی معادل ۱۰ میلیارد دلار بود، این رقم در سال ۲۰۰۶ به ۴۰ میلیارد دلار رسید و در اجلاس پکن، که اخیراً با حضور اکثر کشورهای آفریقایی صورت گرفت، قرار شد تا مقدار این مبادلات تا سال ۲۰۱۰ به ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار افزایش یابد.

سال گذشته، چین بیش از ۳۸ میلیون تن نفت خود را، که برابر با ۳۰ درصد واردات این کشور است، از آفریقا خریداری کرد.

در کنار این ها، تمایل کشورهای آفریقایی به ادامه و گسترش روابط بازرگانی مبتنی بر حقوق برابر، می تواند دلیل عمده دیگری برای به تکاپو انداختن آمریکا باشد. آمریکا با عملکرد خشن خود سعی دارد نشان دهد که مصمم است که دست چین را از آفریقا کوتاه کرده و به عوض نفوذ خود را در آنجا افزایش دهد.

که در میان کارشناسان به داروها و یا قرص های "روان گردان" معروف هستند. تعداد این گونه مواد مخدر نیز در حال افزایش است. به گفته حمید رضا حسن آبادی، مدیرکل مبارزه با مواد مخدر که با خبرگزاری مهر گفت و گو داشته است، "کرک" و "کریستال" دو ماده مخدری هستند که اکنون به ویژه از جانب جوانان مورد مصرف قرار می گیرند. جای نگرانی این جا است که به گفته پزشکان و کارشناسان، مصرف این نوع مواد مخدر جدید از نظر اعتیاد و صدمه زایی به درجات از مصرف مثلاً هروین خطرناک تر است. وی هم چنین می گوید که به خاطر قابلیت تبدیل و فشرده بودن این نوع مواد مخدر، امکان ردیابی و کشف آن ها دشوارتر از سایر مواد مخدری است. این گفته چیزی نیست جز اعتراف به این امر که امکان کنترل و مبارزه با این گونه مواد مخدر نه تنها کار دشواری است بلکه اعتراف به شکست تبلیغاتی مقامات مبنی بر اسلامی تر کردن جامعه نیز هست.

یکی از موارد قابل توجه در این زمینه کاهش سن مصرف کنندگان مواد مخدر است. هرچند که مقامات مسئول سن اعتیاد را در ایران بالا می دانند و معتقدند که از سی سال به بالا است، ولی واقعیت غیر از این است. علاوه بر این، استفاده از مواد مخدری جدید یکی دیگر از مواردی است که موضوع مبارزه با مصرف مواد مخدر را دشوار می کنند. کارشناسان، موادی را که در ایران توسط باندها و شبکه های پخش مواد مخدر توزیع می شوند، به دو دسته تقسیم می کنند. یکی مواد شناخته شده ای مانند تریاک و هروین است که جزو مواد مخدر کلاسیک محسوب می شوند، و دسته دیگر مواد و قرص های روان گردانی است که به "اکستازی" موسوم هستند. به گفته مقامات حوزه مواد مخدر، هم اکنون بیش از یک هزار نوع قرص اکستازی صنعتی و توهمز که انسان را از حالت طبیعی خارج می کند، در کشور و در میان مصرف کنندگان در گردش است. یکی از دلایلی که نسبت به ارقام و آمار ارایه شده در زمینه های اجتماعی توسط دولت تردید ایجاد می کند، ناهمخوان بودن این آمار با واقعیت های اجتماعی است. در زمینه اعتیاد به مواد مخدر این امر کاملاً روشن است. برای نمونه، علی هاشمی، رییس ستاد مبارزه با مواد مخدر، اعلام می کند که، تعداد مبتلایان به مواد مخدر در کشور دو میلیون نفر و سن اعتیاد در ایران بین ۲۹ تا ۳۹ سال است. و این چیزی نیست جز یک دروغ بزرگ برای کم اهمیت جلوه دادن یک معضل بزرگ اجتماعی که خانواده های زیادی با آن دست به گریبان هستند. بیان این مطلب به هیچ وجه با حقایق موجود در کشور همخوانی ندارد. از نظر کارشناسان رقم اعتیاد به مواد مخدر بسیار بیشتر از این و سن مصرف کنندگان مواد مخدر نیز بسیار متغیر است. این امر را می توان با توجه به آمار گسترده زندانیانی که به جرم توزیع یا مصرف مواد مخدر هر ساله در سراسر کشور روانه زندان می شوند، و پس از مدتی دوباره بدون ترک اعتیاد به درون جامعه بازمی گردند، مشاهده کرد. در باره سن معتادان نیز باید عنوان کرد که بسیاری از نوجوانان و جوانان شهرهای بزرگ به دلایل مختلف از جمله عدم برخورداری از امکانات تفریحات سالم به مصرف مواد مخدر روی می آورند. بی جهت نیست که یکی از مسئولین ستاد مبارزه با مواد مخدر به نام صرصامی می گوید که برای پیشگیری از گسترش مواد مخدر قرار است به زودی جزوه های آموزشی در زمینه اطلاع رسانی پیرامون مواد مخدر برای پانزده میلیون دانش آموز از طریق آموزش و پرورش تهیه و توزیع گردد.

واقعیت این است که صادر کردن حکم مجازات های سنگین، ایجاد اردوگاه های جمعی در برخی از جزایر خلیج فارس و انتقال معتادین به این گونه بازداشتگاه ها که در میان سران و مقامات دولت به مراکز "بازپروری" معروف هستند و جز اینها و غیره توسط مقامات رژیم، هنوز نتوانسته است حتی درصد معتادان را در جامعه کاهش دهد. این امر ریشه در وجود حاکمیت استبدادی و آزادی کش دارد. زیرا زندگی در زیر سایه رژیم ارتجاعی ای که هرگونه آزادی و نشاط و امکان بهره وری سالم از وقت آزاد و امکانات تفریحی و ورزشی را از مردم گرفته است، حاصلی جز رشد ناهنجاری های اجتماعی از جمله اعتیاد، ندارد. شکی نیست که عواقب و اثرات مهیب اجتماعی اعتیاد، از جمله نابودی توانایی های نسل جوان و فعال کشور، فروپاشی خانواده ها و بحران هایی که ناشی از مصرف مواد مخدر است، تاثیری بسیار هولناک در ناهنجاری جامعه دارد. رژیم "ولایت فقیه" در عرض ۲۸ سال گذشته نشان داده است که در حل این معضل اجتماعی نیز مانند دیگر عرصه های دیگر صلاحیت نداشته و ناکام بوده است.

آزادی برای همه
زندانیان سیاسی

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

حالی که امپریالیسم آمریکا، در راستای سیاست های نظامی گری و "جنگ نامحدود بر ضد ترور" و با هدف گسترش "نظمی نوین در خاورمیانه بزرگ" استقلال کشورمان را هدف گرفته است، سران رژیم به جای اتخاذ سیاست های موثر در بسیج افکار جهانی بر ضد هرگونه تعرضی به میهن مان، در عمل با اظهارات غیر مسئولانه و تحریک آمیز خود آب به آسیاب طرح های امپریالیسم می ریزند. برخی محافل کشور به درستی مطرح می کنند که رژیم سعی دارد از بحران کنونی برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات عمیق داخلی و شکست سیاست های دولت تمامیت خواه بهره برداری کند. در چنین اوضاع بغرنج و حساسی، در حالی که ابرهای تیره تشنج و برخورد نظامی به سرعت بر فراز ایران و منطقه سایه شوم خود را می گسترد، باید با دوراندیشی و تعقل به ترمیم و بازسازی روابط با کشورهای منطقه پرداخت. انجام سفرهای تبلیغاتی - پوپولیستی داخلی و خارجی و ایراد سخنرانی های نمایشی و بی محتوا، به عوض تلاش در جهت اطمینان دادن به کشورهای همسایه و بهبود روابط دیپلماتیک، در کنار موضع گیری های تنش آفرین سران رژیم، خصوصاً شخص احمدی نژاد، سیاست های مخرب و ماجراجویانه بی است که می تواند اثرات فاجعه باری برای آینده میهن ما داشته باشد. حزب توده ایران، هرگونه مداخله در امور ایران را، با هر بهانه ای، شدیداً محکوم می کند، و جنبش صلح جهانی را فرا می خواند که با بسیج نیروهای خود در جهان با چنین امری به مخالفت جدی بپردازد. ما همچنین سیاست های سرکوبگرانه رژیم را که در شرایط کنونی به بهانه "حفظ وحدت امت اسلامی" در قالب حمله به سازمان های سیاسی اپوزیسیون، نشریات مستقل و نیروهای ملی و مذهبی در جریان است، شدیداً محکوم می کنیم.

ما معتقدیم در صورتی که تغییری اساسی در سیاست خارجی کشور در جهت اتخاذ سیاستی فعال، پیگیر و منطقی و با هدف جلب حمایت وسیع افکار عمومی جهان و به منظور انزوای محافل جنگ طلب صورت نگیرد، منافع استراتژیک میهن و استقلال آن به طور جدی مورد تهدید قرار می گیرد. به باور ما، راه حل بحران کنونی از مسیر شفاف سازی تمامی اقدامات و تصمیم هایی می گذرد که در راستای دستیابی به فن آوری هسته ای در پیش گرفته شده، جلب اعتماد آژانس جهانی انرژی اتمی در رابطه با ابعاد و اهداف صنایع توسعه یافته در ایران، احتراز از هرگونه اقدام و اظهارات تحریک آمیز نسبت به کشورهای منطقه، و مبتنی کردن سیاست خارجی کشور بر اصول مورد قبول و معتبر دیپلماسی بین المللی است. هدف اصلی چنین سیاستی رفع تشنج در منطقه، کمک به استقرار صلح و امنیت در مرزهای کشور و در منطقه، و ایجاد فضایی است که در آن توان طبیعی، اقتصادی و انسانی کشورمان بهترین بازده را کسب کند. حزب توده ایران بار دیگر مخالفت شدید خود را با هرگونه ماجراجویی نظامی در منطقه اعلام کرده، و هرگونه تشدید درگیری سیاسی - نظامی در منطقه را بر ضد منافع مردم ایران، منطقه خاورمیانه و صلح و جهانی می داند. ما همه نیروهای ملی، ترقی خواه و دموکراتیک کشور را فرا می خوانیم تا در صفی متحد و با هدف دفاع از استقلال و توسعه دموکراتیک کشور، و در مخالفت و مقابله با سیاست های تحریک انگیز، مداخله جویانه و نظامی گرایانه از سوی هر نیرویی در داخل و یا خارج از کشور کوشش های خود را تشدید کنند. حزب توده ایران بر این باور است که کوشش متحد جنبش مردمی میهن مان برای ساختن ایرانی دموکراتیک، پیشرو و مدرن فقط بر بستر صلح همه جانبه در منطقه و جهان می تواند گسترش یابد و بس.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۲ دی ماه ۱۳۸۵

ادامه نان آور فراموش شده ...

است: "گوشه ای از پیاده رو بساط کوچکی پهن کرده است. جوراب می فروشد و در کنارش سیگار. حالت چهره اش التماس گونه نیست. می خواهد کار کند. می گوید هفت فرزند دارد که ۴ نفرشان ازدواج کرده اند و سه نفر دیگر باقی مانده اند. دو دختر بزرگ و یک پسر کوچک. پیش از اینها شوهرش را از دست داده است. دخترها تحصیلات درستی ندارند و خانه نشین اند و پسر هنوز برای پذیرش مسئولیت زندگی، نا بالغ است. از ساعت هفت بعد ظهر به بعد می آید چون زودتر ماموران شهرداری می آیند و بساطش را جمع می کنند... زندگی اش به سختی می گذرد. بار مسئولیت بر دوش سنگینی می کند. صبح ها هم کار دیگری می کند [کارگر است] راهش نزدیک نیست. از اطراف تهران می آید. این کار هم در این مدت کوتاه در آمد قابل ملاحظه ای ندارد، اما به هر حال چاره ای نیست. ریسمانی است که باید به آن جنگ بزنند..."

این زنان زحمتکش قربانیان برنامه های دولت احمدی نژاد و به طور کلی سمت گیری اقتصادی - اجتماعی مبنی بر خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه هستند. جالب اینجاست که دولت ارتجاع که دم از حمایت از قشرهای محروم می زند و سیاست های عوام فریبانه متعددی را به اجرا می گذارد و با تبلیغ می کند، در برنامه موسوم به وام های اعطایی به بنگاه های زود بازده، حتی ۱ ریال هم وام به زنان سرپرست خانوار که به خاطر نبود سرمایه ناچار به دست فروشی و یا دیگر مشاغل کاذب هستند، اختصاص نداده است، در حالی که تجار عمده بازار، فرماندهان سپاه پاسداران، در قالب شرکت های خصوصی و نیمه دولتی و بنیادهای انگلی، میلیون ها تومان از بودجه کشور را به انحاء مختلف به جیب می زنند و دولت احمدی نژاد حامی قانونی آنان محسوب می شود. ولی هزاران زحمتکش و به ویژه هزاران زن محروم و سرپرست خانوار در فقر و تیره روزی بسر می برند. دفاع از خواسته های بحق زنان زحمتکش سرپرست خانوار و تامین منافع آنان، همچون تقسیم عادلانه کار و تامین امنیت شغلی و دستمزد برابر و تامین اجتماعی، وظیفه همه آن نیروهای راستین مدافع عدالت اجتماعی و مخالف ارتجاع و استبداد است.

زنان سرپرست خانوار با تلاش و تکاپوی پر رنج خود، نان آوران فراموش شده ای هستند که باید از حقوق آنان با پیگیری و قاطعیت دفاع کرد!

تجاوز نظامی زیر پوشش "جنگ بر ضد ترور"!

ادامه هوگو چاوز: آینده ...

مقدمات به دست گرفتن قدرت در سراسر کشور را تدارک دید.

تابستان گذشته "اتحادیه محاکم اسلامی" موفق شد در مقابله با یک ائتلاف از نیروهای مورد پشتیبانی ایالات متحده به پیروزی برسد و وارد موگادیشو شود. به گزارش بی بی سی، ۱۹ دی ماه، از این تاریخ فشار ایالات متحده به "اتحادیه محاکم اسلامی" با این اتهام که "مسئین بمب گذاری های سال ۱۹۸۸ در سفارتخانه های آمریکا در کنیا و تانزانیا" را پناه داده اند، افزایش یافت.

در پی تشدید درگیری ها در اواسط دی ماه، ایالات متحده در روز ۱۷ دی ماه مستقیماً وارد عمل شد و در حملات وسیع هوایی، "مواضع" نیروهای اتحاد محاکم اسلامی را بمباران کرد. پس از این عملیات "عبداللهی یوسف"، رئیس جمهور دولت انتقالی، در روز ۱۸ دی ماه، برای اولین بار، وارد موگادیشو شد.

بهبانای آمریکا برای حضور در سومالی، در اساس نمونه برداری شده از همان بهانه هایی است که برای حمله به افغانستان و عراق مورد استفاده قرار گرفتند: "جنگ با تروریسم"، "از بین بردن مواضع القاعده" و البته این بار در آفریقا: "برقراری صلح و ثبات".

به گزارش بی بی سی، ۱۹ دی ماه، وزارت دفاع آمریکا در مورد اقدام نظامی خود گفته است: "هدف اصلی حملات هوایی، پایگاه رهبران اصلی القاعده در منطقه بوده است ... و آمریکا می خواهد مطمئن شود که نیروهای القاعده در جنوب سومالی به نقطه دیگری فرار نکنند."

از هم اکنون زمره هایی جدی در مورد ورود و حضور نیروهای نظامی خارجی، به غیر از اتیوپی، به گوش می رسد. پس از برتری نیروهای "دولت انتقالی" و استقرار آن ها در موگادیشو، دولت اتیوپی اعلام کرده است که قصد دارد تا نیروهای خود را هرچه زودتر از سومالی خارج کند. و این در حالی است که مقامات دولت انتقالی سومالی اظهار می دارند که نیروهای دولتی در حال حاضر از توان لازم برای برقراری و حفظ امنیت در کشور برخوردار نیستند و حمایت نظامی خارجی را برای این منظور ضروری دانسته اند. روز سه شنبه (۱۲ دی ماه) نخست وزیر سومالی "از جامعه بین المللی خواست در زمینه ی اعزام واحدهای حافظ صلح، به سومالی شتاب به خرج دهند."

به نظر می رسد که با اعلام ضعف ارتش سومالی و تصمیم دولت اتیوپی برای خارج کردن نیروهای خود از این کشور، عملاً راه

در ادامه درگیری های نظامی بین نیروهای وابسته به "اتحاد محاکم (دادگاه های) اسلامی" سومالی، که خواهان برقراری حکومت اسلامی به شیوه ی طالبان در این کشور هستند، و نیروهای "دولت انتقالی" که از پشتیبانی سیاسی و نظامی اتیوپی و ایالات متحده برخوردار هستند، واحد های ارتش اتیوپی وارد موگادیشو، پایتخت این کشور شدند. مداخله نظامی اتیوپی عملاً به حاکمیت دو ساله نیروهای "اتحاد محاکم اسلامی" در سومالی پایان داد و "دولت انتقالی" توانست برای نخستین بار در موگادیشو، پایتخت کشور، مستقر شود.

به گزارش خبرگزاری بین المللی "تمام آفریقا"، ۱۵ دی ماه، دولت اتیوپی "اتحاد محاکم اسلامی" را "تهدیدی برای استقلال اتیوپی" معرفی کرده است و اتحاد محاکم اسلامی نیز در مقابل همین اتهام را به دولت اتیوپی وارد کرده است.

به نقل از همین خبرگزاری، دولت اتیوپی اعلام کرده است که، نیروهای نظامی این کشور به این منظور در سومالی استقرار یافته اند تا از "دولت انتقالی" به رهبری "عبداللهی یوسف"، چهره ای که روابط بسیار نزدیکی با اتیوپی دارد، دفاع کنند.

سومالی تا سال ۱۹۹۱ در چنگال رژیم دیکتاتوری، تحت رهبری دیکتاتور این کشور، "محمد زیاد باره" قرار داشت. در این سال حکومت استبدادی زیادباره ساقط شد و به دنبال آن درگیری های قومی، قبیله ای و طایفه ای کشور را فرا گرفت. شروع قحطی وسیع در کشور فقر زده و در چنگال درگیری های طایفه ای نهایتاً به مداخله ایالات متحده در پوشش سازماندهی "کمک های انسانی" در سال ۱۹۹۳ انجامید. به دنبال شکست فزاینده باره کوشش دولت کلینتون به پیاده کردن نیروهای نظامی در این سال و عقب نشینی کامل، سومالی عملاً تحت کنترل ائتلافی از نیروهای مسلمان قرار گرفت. با کشته شدن "محمد فرح آیدید"، رهبر منسجم ترین بخش این نیروها در سال ۱۹۹۷، و اوگیری هرج و مرج، سومالی عملاً تا سال ۲۰۰۴ فاقد هرگونه دولت مرکزی بود. در این سال "دولت انتقالی"، به کمک سازمان ملل و اتحادیه ی آفریقا، تشکیل شد. این دولت پایتخت خود را به جای "موگادیشو"، در "بایدوا" قرار داد و از آنجا

پایه آماج انقلابی حزب "ضرورت تاریخی حرکت به سمت ایجاد یک اتحاد ارگانیک از همه مردان و زنان انقلابی کشور" را اعلام و به "تصمیم تمام سازمان های سیاسی که موافقت کردند به حزب سوسیالیست متحد ونزوئلا پیوندند، درود فرستاد." پلنوم حزب کمونیست ونزوئلا "هر حرکتی به سمت ادغام ارگانیک گروه های مترقی و انقلابی، بدون توجه به طبیعت و ماهیت آن حرکت" را گامی به جلو برای نیروهای میهن دوست ونزوئلا ارزیابی کرد. پلنوم همچنین مقرر کرد که برای بررسی همه جانبه پیشنهاد تشکیل "حزب سوسیالیست متحد ونزوئلا" کنگره ملی فوق العاده خود را در اواسط اسفندماه برگزار کند. کنگره قبلی حزب کمونیست در تابستان اخیر برگزار شده بود. بحث های تدارکاتی کنگره ملی فوق العاده قرار است که "شالوده" ایدئولوژیک حزب جدید" پیشنهادی، "ماهیت سوسیالیسمی" که قرار است در ونزوئلا ساخته شود، "ماهیت طبقاتی حزب انقلابی" و "ساختار ارگانیک" آن، "موضوع رهبری جمعی در درون حزب متحد پیشنهادی" را مورد توجه قرار دهد. اجلاس چهارمین پلنوم حزب کمونیست ونزوئلا مقرر کرد که "جهت بررسی و تصویب اسناد پایه ای" و "تصویب مقررات و دستور کار کنگره ملی و کنفرانس هایی که در جریان آن روند از طرف حوزه ها، کمیته های محلی و کمیته های منطقه ای تشکیل خواهند شد، نشست پلنوم پنجم را در روزهای ۲۳ و ۲۴ دی ماه برگزار کند."

در نمایش نقش برجسته ای که حزب کمونیست ونزوئلا در تحولات سریع این کشور می گیرد همین بس که توجه کنیم که در ترمیم کابینه دولت در اواسط دی ماه، پرزیدنت چاوز، دیوید والاسکوئز، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست، و دبیر کل پیشین سازمان جوانان کمونیست ونزوئلا را به سمت وزیر مشارکت مردمی و توسعه اجتماعی، انتخاب کرد. رفیق والاسکوئز که ۲۸ سال دارد، جوانترین وزیر در ساختار دولت است. این اولین بار در حیات ۷۶ ساله حزب است که یک عضو آن در چنین موقعیت مهم و تعیین کننده ای قرار می گیرد.

هوگو چاوز: آینده تحولات ونزوئلا "سوسیالیسم قرن ۲۱" است!



"حزب سوسیالیست متحد ونزوئلا" را تشکیل دهند.

لازم به تذکر است که پیروزی قاطع چاوز در انتخابات آذرماه به یاری ائتلاف

بیش از ۲۰ حزب و سازمان سیاسی چپ و دموکرات با نظرگاه های متنوع، ولیکن حول محور شعارهای مشترک ضد امپریالیستی، صورت گرفت. این ائتلاف توانست شکست سختی به نیروهای اپوزیسیون راست و ارتجاعی وارد سازد. در حقیقت حضور این تشکل ها در میان مردم، توانست بخش وسیعی از زحمتکشان، با دیدگاه های گوناگون، را حول شعارهای رادیکال و اصلاح طلبانه ی چاوز گرد آورد.

پرزیدنت چاوز همچنین در سخنرانی خود اشاره کرد که، احزابی که این شرط را نپذیرند، می توانند به راه خود ادامه دهند ولیکن گفت: "احزابی که می خواهند ساختار خود را حفظ کنند، دولت را باید ترک کنند" (همانجا).

در رابطه با این تصمیم پرزیدنت چاوز، حزب کمونیست ونزوئلا، پس از برگزاری پلنوم چهارم خود در کاراکاس، پایتخت ونزوئلا، ۳۰ آذرماه، بیانیه ای صادر کرد. بر اساس این بیانیه که در ۲ دی ماه منتشر شد، در این پلنوم "بحث وسیع، ژرف و روشننگری پیرامون پیشنهاد پرزیدنت هوگو چاوز فریباس، رهبر برجسته روند انقلابی بولیواری، برای ساختن حزب سوسیالیست متحد ونزوئلا صورت گرفت. بیانیه در ادامه "تعهد تاریخی همیشگی و خلل ناپذیر حزب کمونیست ونزوئلا برای ایجاد وسیع ترین اتحاد ممکن بین نیروهای دمکراتیک و انقلابی در کشور..." مورد تأکید قرار می دهد. رهبری حزب کمونیست سپس بر

به دنبال پیروزی مجدد هوگو چاوز در انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا در آذرماه، این کشور در مسیر تغییرات جدی در سیستم اقتصادی و سیاسی خود قرار گرفته است، تغییراتی که خطوط کلی آن در مراسم تحلیف چاوز اعلام شد. چاوز پس از ادای سوگند در مراسم تحلیف، خطوط برنامه ی جدید خود را، که قرار است ونزوئلا را به سوی "سوسیالیسم قرن بیست و یکم" سوق دهد و روند تغییرات را عمیق تر و رادیکالیزه تر کند، اعلام کرد.

بخش اولیه ی سخنرانی چاوز به مناسبت شروع رسمی دوره جدید ریاست جمهوری خود به توصیف انقلابی بزرگ آمریکای لاتین، "سیمون بولیوار" اختصاص داشت. پس از آن چاوز رئوس کلی برنامه خود را تحت عنوان "پنج موتور محرک" برای تغییرات آتی در ونزوئلا تشریح کرد. این پنج "اصل" بنا به گزارش سایت خبری "تحلیل و اخبار ونزوئلا" در روز ۲۰ دی ماه، به قرار زیر است:

- درخواست چاوز برای داشتن "اختیار تام" در مورد تغییر قانون اساسی در موارد مشخص، بدون مراجعه به مجلس، به مدت یک سال.
- تغییر در قانون شماره ۳۰۲، که به موجب آن حق استخراج نفت در اختیار دولت ونزوئلا است، اما استخراج گاز را شامل نمی شود؛ چاوز همچنین به قانون شماره ی ۳۰۳ نیز اشاره کرد که در آن ذکر شده است که بخشی از شرکت دولتی نفت PDVSA می تواند خصوصی شود؛ این قسمت به نظر چاوز، می بایستی حذف شود؛
- تغییر دیگر، محدودیت انتخاب رییس جمهور به دو دوره است، که چاوز خواهان حذف این اصل و مجاز بودن انتخاب چند باره است؛

- اجرای برنامه ی آموزش و پرورش در سراسر کشور در خلال سال ۲۰۰۷؛
- تغییر "تقسیم بندی های کشوری" در ونزوئلا با هدف تعادل بخشیدن به ساختارهای شهری و استانی کشور. چاوز تشریح کرد که بسیاری از شهرداری ها دارای مشخصات متناسب نیستند، چراکه برخی از آن ها جمعیت فراوانی دارند و یا این که از وسعت زیادی برخوردار هستند، در صورتی که برخی دیگر، در مقایسه با آنها، بسیار کوچک و یا کم جمعیت ترند.

- پیشنهاد برای افزایش قدرت "شوراهای منطقه ای" که در آن ایجاد فدراسیونی از شوراهای منطقه نیز مطرح شده است، که احتمالاً جانشین ساختار دولتی کنونی خواهد شد.

به موازات این پیشنهادهای، تصمیم و تغییر سیاسی بسیار جدی تری نیز در ونزوئلا در حال تکوین است که طرح پیشنهادی آن برای اولین بار در نیمه دوم آذرماه مطرح شد. به گزارش سایت خبری "تحلیل و اخبار ونزوئلا" در جریان مراسمی که روز ۲۴ آذرماه به مناسبت پیروزی مجدد چاوز در انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد، "چاوز از همه ی هواداران و پشتیبانان خود خواست تا احزاب خود را منحل کرده و حزب جدید

ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس های پستی:
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 756
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

20 th January 2007

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse